

اطلاعیه در مورد تهاجم به " ارتش آزادیبخش ملی ایران "

نهایتاً آنچه که از هفته ها پیش انتظار آن می رفت ، بوقوع پیوست. رژیم جنایتکار و بی آینده "جمهوری اسلامی" ، بدنبال بسیج گسترده نظامی هفته های اخیر در طول مرزهای طولانی ایران و عراق و با سوء استفاده از وجود "خلاء قدرت" در عراق ، گله های مزدوران خود را به قصد ضربه زدن به نیروهای " ارتش آزادیبخش ملی" وارد خاک عراق کرده است .

بنا به اطلاعیه صادر شده از جانب خود مجاهدین ، تا این لحظه ۱۸ تن از نیروهای این سازمان به شهادت رسیده اند و تعداد ۴۳ تن مجروح گردیده اند . علاوه بر این اطلاعیه ، اشاره به تعداد نامعلومی مفقود کرده است که به نوبه خود پدیده ای است نوین که حکایت از شدت و حدت درگیریها و فشار نظامی وارده می کند .

گذشته از این ، سکوت تقریباً مطلق رسانه های غربی در رابطه با این درگیریها و بازگذاشته شدن دست رژیمی که افتخار ! عضویت در " محور شرارت " را نیز داراست ، آنها در زیر دماغ امپریالیستهای اشغالگر انگلیسی - آمریکایی ، مفهوم خاص خود را دارد .

مقایسه این بی تفاوتی آشکار در مقابل تحركات نظامی یک پای عمده " محور شر " با حساسیت فوق العاده همین ها در رابطه با احتمال دخالت نظامی ترکیه (که هم عضو ناتو و همپیمان اسراییل در منطقه است و هم متحد آمریکا) در شمال عراق و عکس العمل های متعاقب آن ، نشان از یک زد و بند پشت پرده و یک طرح امپریالیستی جهت تصفیه حساب نهایی با مجاهدین و مقاومت مستقل مردم ایران دارد. بدیهی است که زدن مستقیم نیروهای ارتش آزادیبخش توسط نیروهای اشغالگر که عادت به سر بریدن با پنبه دارند ، بدور از عقل استعماری می باشد . بنابراین چه بهتر از این که در یک پروسه محدود و قابل کنترل ، دست رژیم "جمهوری اسلامی" و مزدوران محلی آن برای قتل عام نیروهای مجاهدین را باز گذاشته و ضمن آن میزان مقاومت نیروهای " ارتش آزادیبخش ملی ایران " را نیز تست کرد .

در طول سال گذشته بارها نوشته و گفته بودم که " تعیین تکلیف استراتژیک ایران " محور عمده طرح جناح " یهودی - آمریکایی " عقابها ، در کادر استراتژی کلان قطب بندی جهانی آینده میان آمریکا و چین ، می باشد . با این تفاوت که این تعیین تکلیف استراتژیک در رابطه با ایران راه حل نظامی ندارد .

راه حل سیاسی حل و فصل مسئله غامض تعیین تکلیف استعماری مشکل ایران اما ، بدون از میان برداشته شدن فیزیکی " سازمان مجاهدین خلق ایران " امکان پذیر نیست .

در طول سالیان گذشته مجاهدین نشان داده اند که حتی اگر توان سرنگونی رژیم "جمهوری اسلامی" را هم نداشته باشند، توان "بلوکه کردن تمامی راه حل های استعماری" در مورد ایران را داشته اند. بدون پارامتر مجاهدین، امکان هیچ گونه تغییر و تحول انقلابی و ترقیخواهانه در چارچوب یک ایران آزاد و مستقل و بدور از سلطه امپریالیستی، وجود ندارد.

نیروهای انقلابی، دمکرات و آزادیخواه ایران

امید به آینده و باور به ضرورت آزادی و رهایی عنصر انسانی، هیچ تضمینی جز مقاومت ما در برابر ستم و استعمار ندارد. در این دنیای مبتنی بر تعادل قوای صرف، بدون عنصر مقاومت نه هیچ حقی اعاده می گردد و نه هیچ مبارزه ای برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی پیروز می شود.

اگر به این واقعیت باور داشته باشیم که "حقیقت مطلق" به تنهایی نزد هیچکس یافت نمی شود و میان همه پخش است، بنابراین در این کادر اختلافات و جدلهای سیاسی به خودی خود نه پدیده ای منفی که بیان واقعی و ضروری نگاه به حقیقت از زوایای گوناگون می باشد. زیبایی جامعه انسانی دقیقا در همین گونه گونگی اندیشه ها و ضرورت پذیرش چند بعدی بودن اجتماع بشری است.

یک سوی معادله قدرت ما هستیم. میزان مقاومت امروز ما در مقابل تحمیل الگوهای ارتجاعی و استعماری، جایگاه واقعی فردای ما را در این معادله قدرت تعیین میکند.

آری، ما با هم اختلاف عقیده داریم، در یک جدال سیاسی مستمر به سر می بریم، بیرحمانه به انتقاد از یکدیگر می پردازیم، اما ... اما بایستی به تمامی طرفهای معامله نشان داد، آنجا که پای "عالیترین مصالح مردم ایران" در پیش باشد، در مقاومت یکپارچه ما، تمامی ما، تردیدی نداشته باشند.

آخر ما که نسل بی غروری نیستیم!

ضمن ابراز انزجار از تمامی نیروهای ارتجاعی آلت دست رژیم "جمهوری اسلامی" در تهاجم رذیلانه به "ارتش آزادیبخش ملی ایران" و محکومیت قاطعانه نقشه های ارتجاعی - امپریالیستی در رابطه با آینده ایران، تمامی شخصیتها، گروه ها، احزاب و سازمان های انقلابی، دمکرات و آزادیخواه ایرانی را به موضع گیری یکپارچه در این سرفصل تاریخی و سرنوشت ساز فرا می خوانم.

مرگ بر ارتجاع! مرگ بر امپریالیسم!

زنده باد انقلاب! زنده باد آزادی!

۲۳ فروردین ۱۳۸۲، ۱۲ آپریل ۲۰۰۳ میلادی